

A Study of the Reflection of the Influence of the Ideology of Marxism in the Former Soviet Union on the contemporary Russian Novel

(Case Study: The Good Stalin)

Hassan Akbari Biraq, responsible author, associate professor of Persian language and literature, Semnan University. hakbari@semnan.ac.ir

Dina Ghanian, a master's student in Persian literature, Semnan University, Department of Sustainability Literature. Dina_ghanian@yahoo.com

Abstract:

Ideology is a term that comes up in different definitions and meanings. Ideology in its political sense is defined in two fronts, left and right, and a particular person or group may have a left front on one issue and a right front on another issue. Left or leftism in political literature refers to positions that want gradual or radical changes in order to create equality in the distribution of wealth and power. Left in the contemporary political literature of the West is usually used to mean social liberal or socialist and is placed against the right. The origin of this term goes back to the French Revolution.

Left-wing groups demand equality of individuals in political and economic rights and favor government intervention in economic affairs for the benefit of the general public. The Communist Party of the Soviet Union was the name given to the survivors of the Bolshevik wing of the Russian Social Democratic Labor Party from 1952 to 1991, and it had its own organizational structure.

Communism had many effects on the lower layers of the Soviet society and caused people, including children, to experience a miserable and sad life. Stalinist society left no room for the institution of humanity, and then only the most basic form of physical survival, opportunism, deception, betrayal, and accusation remained, and even the courage to take risks to help and save others disappeared.

The book "Good Stalin" is a historical narrative that imagines Stalin's autocratic rule and the hard life of the people during this period, as well as the developments and conditions of the Soviet Union in the form of a narrative of the author's father's life and personal life.

Key words: left ideology, Marxism and communism in the Soviet Union, influence of communism on society, good Stalin novel.

بررسی بازتاب تأثیر ایدئولوژی چپ در دوران شوروی سابق بر رمان امروز روسیه (مطالعه موردی: رمان استالین خوب)

حسن اکبری بیرق، نویسنده مسئول، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان، ۰۹۹۰۵۸۷۸۶۳۴،

hakbari@semnan.ac.ir

دینا غنیا، دانشجوی کارشناسی ارشد زبان ادبیات فارسی - گرایش ادبیات پایداری دانشگاه سمنان، ۰۹۱۲۶۱۲۹۲۷۱،

Dina_ghanian@yahoo.com

چکیده:

ایدئولوژی اصطلاحی است که در تعاریف و معانی مختلف مطرح می‌شود. ایدئولوژی در مفهوم سیاسی آن در دو جبهه چپ و راست تعریف می‌شود و ممکن است یک فرد یا گروه خاص در مورد یک موضوع جبهه‌گیری چپ و در مورد موضوعی دیگر جبهه‌گیری راست داشته باشد. چپ یا چپ‌گرایی در ادبیات سیاسی، به مواضعی گفته می‌شود که خواهان تغییرات تدریجی یا رادیکال در جهت ایجاد برابری در توزیع ثروت و قدرت هستند. چپ در ادبیات سیاسی معاصر غرب معمولاً به معنی سوسیالیسم لیبرال یا سوسیالیسم به کار می‌رود و در برابر راست قرار می‌گیرد. ریشه این اصطلاح به انقلاب فرانسه بازمی‌گردد.

گروه‌های چپ‌گرا خواستار برابری افراد در حقوق سیاسی و حقوق اقتصادی و طرفدار دخالت دولت در امور اقتصادی به نفع عموم مردم هستند. حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نامی بود که بازماندگان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

جناب بلشویک حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه از ۱۹۵۲ تا ۱۹۹۱ بر خود اطلاق می کرد و ساختار تشکیلاتی خاص خود را داشت

کمونیسم بر لایه های زیرین جامعه شوروی تأثیرات فراوانی داشت و سبب گردید مردم از جمله کودکان زندگی اسفناک و غم انگیزی را تجربه کنند. جامعه استالینی جایی برای نهاد انسانیت باقی نگذاشت، و سپس تنها ابتدایی ترین شکل بقای فیزیکی، فرصت طلبی، فریبکاری، خیانت، و اتهام به جا ماند و حتی شجاعت خطرپذیری برای کمک و نجات دیگران نیز از میان رفت.

کتاب «استالین خوب» یک روایت تاریخی است که حکومت مستبدانه استالین و زندگی سخت مردم در این دوران، همچنین تحولات و اوضاع شوروی در قالب روایتی از زندگی پدر و زندگی شخصی نویسنده به تصویر می کشد.

کلمات کلیدی: ایدئولوژی چپ، مارکسیسم و کمونیسم در شوروی، تأثیر کمونیسم بر اجتماع، رمان استالین خوب.

روش مطالعه: پژوهش پیش رو، مطالعه ای نظری است که به شیوه کتابخانه ای انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه رمان استالین خوب نوشته ویکتور ولادیمیروویچ ارافیف می باشد.

پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق (مطالعات و تحقیقاتی که در رابطه با این موضوع صورت گرفته و نتایج حاصل از آن):

- پوینده، محمدجعفر (مترجم) (۱۳۹۰)، *درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات*، تهران: نقش جهان مهر.

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، احمد گل محمدی، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی و لیلایی، چاپ یازدهم، تهران: نی.

- ایگلتن، تری (۱۳۵۸)، *مارکسیسم و نقد ادبی*، ترجمه محمد امین لاهیجی، تهران: کار.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- ساداتی نژاد، سید مهدی (۱۳۸۷-۱۳۸۸)، تأثیر مدرنیسم بر اندیشه سیاسی معاصر ایران از دهه چهل تا انقلاب اسلامی (با تأکید بر لیبرالیسم و مارکسیسم)، رساله دکتری، دانشکده علوم سیاسی، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نصراللهی، سمیه (۱۳۹۰) بررسی تأثیر حکومت‌های توتالیتر بر ادبیات نمایشی در مقایسه بین دو کشور روسیه و ایتالیا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی.
- کیاپاشا، مهدی (۱۳۹۵)، نمایشنامه نویسی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ با رویکرد جامعه‌شناسی کارل مارکس (مارکسیسم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران.
- ولک، رنه (۱۳۷۵)، تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید اربابی شیرانی، جلد سوم، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- اسکارچیت، روبر (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه مرتضی کتبی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- زیما، پیر (۱۳۶۲)، جامعه‌شناسی رمان از نظرگاه گلدمن، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات: مجموعه مقاله‌گزیده و ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- حسنی، مسلم (۱۳۹۸)، فلسفه از دیدگاه مارکس و نقد آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه تبریز.
- هیچ کدام از موارد یاد شده دقیقاً مشابه موضوع پژوهش ما نیست.

۱. مقدمه

در طول تاریخ حکومت‌هایی که روی کار آمده‌اند، همواره تأثیرات بی‌شماری بر جامعه و زندگی مردم داشته‌اند، هنر و ادبیات نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و این حکومت‌ها بر تمام شاخه‌های هنر و ادبیات همچون داستان و رمان تأثیرگذار بوده‌اند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

سیطره ایدئولوژی چپ در روسیه شوروی در دوره استالین و ادوار بعدی تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سبب گردید آثار پرشماری در حوزه ادبیات داستانی و رمان پدیدار شود که برخی از آنها به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند.

یکی از تأثیرگذارترین و مشهورترین رمان‌ها که پس از فروپاشی شوروی منتشر شد رمان *استالین خوب* اثر ویکتور ارافیف می‌باشد. ارافیف که فرزند یک دیپلمات کمونیست در دوره شوروی سابق بوده، تلاش کرده است که تجربه‌های عینی خود را از دوره سیطره کمونیسم در روسیه، همچنین حاکمیت ایدئولوژی مارکسیسم بر زندگی مردم روسیه در ژانر اتوبیوگرافی، به تصویر بکشد و روایتی دقیق از سایه سنگین ایدئولوژی اندیشی بر نهاد خانواده را در آن عصر، با نگاهی روانشناختی و جامعه‌شناختی ترسیم کند.

۲. ایدئولوژی چپ

ایدئولوژی اصطلاحی است که در تعاریف و معانی مختلف مطرح می‌شود. برخی از صاحب‌نظران که از لحاظ فکری تا حدودی به مارکسیسم گرایش دارند، مفهوم ایدئولوژی را در بافت سیاست و قدرت بررسی کرده‌اند (آسیایی، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۱). اما برخی دیگر از صاحب‌نظران معنای سیاسی ایدئولوژی را کمتر در نظر می‌گیرند و آن را مجموعه‌ای از افکار و اعتقادات برمی‌شمارند که اصول افراد و گروه‌های خاص و نیز رابطه آنها با جهان اطرافشان را مشخص می‌سازد. (کالزادا پرز، ۲۰۰۳، نقل شده در آسیایی، ۱۳۸۳: ۱۷۲)

ایدئولوژی در مفهوم سیاسی آن در دو جبهه چپ و راست تعریف می‌شود و ممکن است یک فرد یا گروه خاص در مورد یک موضوع جبهه‌گیری چپ و در مورد موضوعی دیگر جبهه‌گیری راست داشته باشد؛ و همچنین برخی از جبهه‌گیری‌ها نیز ممکن است با هم همپوشانی داشته باشند و بسته به ایدئولوژی، چپ یا راست تلقی شوند.^۱

¹Milner, Helen (2004). "Partisanship, Trade Policy, and Globalization: Is There a Left-Right Divide on Trade Policy" (PDF). *International Studies Quarterly*. 48: 95-120

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

ریشه اصطلاحات راست و چپ به انقلاب فرانسه برمی گردد و به محل نشستن اعضای پارلمان اشاره دارد؛ کسانی که در سمت راست می نشستند از حفظ نهادهای پادشاهی، آریستوکراسی و مذهب رسمی حمایت می کردند.^۱

همچنین در تعریف دو جبهه سیاسی راست و چپ، جناح چپ را با تأکید بر ایده‌هایی مانند آزادی، برابری، برادری، حقوق، پیشرفت، اصلاحات و انترناسیونالیسم و جناح راست را با تأکید بر مفاهیمی چون اقتدار، سلسله مراتب، نظم، وظیفه، سنت، واکنش و ملی‌گرایی معرفی می‌کنند.^۲

با توجه به موضوع مقاله پیش‌رو از مطرح کردن مفاهیم مربوط به جناح راست خودداری می‌شود و بیشتر به جناح چپ پرداخته می‌شود.

چپ یا چپ‌گرایی در ادبیات سیاسی، به مواضعی گفته می‌شود که خواهان تغییرات تدریجی یا رادیکال در جهت ایجاد برابری در توزیع ثروت و قدرت هستند. چپ در ادبیات سیاسی معاصر غرب معمولاً به معنی سوسیالیسم یا سوسیالیست به کار می‌رود و در برابر راست قرار می‌گیرد. ریشه این اصطلاح به انقلاب فرانسه بازمی‌گردد؛ کسانی که در سمت چپ پارلمان می‌نشستند، مخالف سلسله مراتب سنتی قدرت بودند و از اصلاحات رادیکال پشتیبانی می‌کردند.^۳

گروه‌های چپ‌گرا خواستار برابری افراد در حقوق سیاسی و حقوق اقتصادی و طرفدار دخالت دولت در امور اقتصادی به نفع عموم مردم هستند. از نظر چپ‌گرایان قدرت و منافع باید به‌طور مساوی میان مردم تقسیم شود. به‌طور مثال طرفداری از عدالت اقتصادی، برابری، تأکید بر انترناسیونالیسم ضد استعماری و مبارزه با سودجویی سرمایه‌داری از ویژگی‌های چپ است؛ بنابراین نظام‌های کمونیستی و نظام‌های سوسیالیست دموکراسی اسکاندیناوی چپی هستند. گروه‌های چپ، باورمند به مسئولیت دولت در تأمین رفاه مردم، برابری و نفی امتیازات طبقاتی و اشرافی و عدالت اجتماعی و طرفداری از توده‌های محروم هستند. همچنین حکومت بر پایه سنت را بر نمی‌تابند؛ بنابراین

^۱Barry Clark, Political Economy: A Comparative Approach, Praeger Paperback, 1998, pgs; 33–34.

^۲Andrew Heywood, Key Concepts in Politics and International Relations (2d ed : Palgrave Macmillan, 2015), p. 119.

^۳JoAnne C. Reuss, American Folk Music and Left-Wing Politics, The Scarecrow Press, 2000, ISBN 978-0-8108-3684-

عنوان چپ به گروه کثیری از کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها و نیز احزاب گوناگون از حزب کمونیست مائو در چین گرفته تا حزب سوسیال‌دمکرات جمهوری فدرال آلمان داده شده است.^۱

۳. مارکسیسم و کمونیسم در دوران شوروی سابق

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نامی بود که بازماندگان جناح بلشویک حزب سوسیال‌دموکرات کارگری روسیه از ۱۹۵۲ تا ۱۹۹۱ بر خود اطلاق می‌کرد. اما واژه «حزب کمونیست» از سال ۱۹۱۸ که بلشویک‌ها نام خود را «حزب کمونیست تمام روسیه (بلشویک‌ها)» نام‌گذاری کردند در ترکیب اسم این حزب بود. در ۱۹۲۵ این حزب نام خود را به «حزب کمونیست تمام اتحادیه (بلشویک‌ها)» تغییر داد و بالاخره در ۱۹۵۲ نام حزب «کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» برگزیده شد.

پس از گشایش انترناسیونال سوم یا کمینترن در ۱۹۱۹، اصل سانت‌الیسم دموکراتیک که از تئوری مارکسیسم-لنینیسم ناشی می‌شد و در این حزب حاکم بود بر سایر اعضای کمینترن نیز حاکم شد و بر مبنای آن احزاب کمونیست مشابه در سراسر جهان تشکیل شدند.

۳-۱. ساختار تشکیلاتی

نهاد منسوب‌کننده حزب کمونیست، کنگره حزب بود که ابتدای هر سال جلسه داشت اما بعدها و به‌خصوص در زمان استالین این جلسات کم‌تر برگزار شد. کنگره حزب کمیته مرکزی را انتخاب می‌کرد و کمیته مرکزی دفتر سیاسی را انتخاب می‌کرد. در زمان استالین قدرت‌مندترین پست در حزب دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی بود که توسط دفتر سیاسی انتخاب می‌شد. در سال ۱۹۵۲ عنوان دبیرکل به دفتر سیاسی به هیئت رئیسه تغییر نام داد اما در سال ۱۹۶۶ برژنف نام‌ها را به صورت نخست برگرداند.

از نظر تئوری قدرت اصلی حزب را کنگره حزب داشت اما در عمل و به‌خصوص پس از درگذشت ولادیمیر لنین قدرت به دست دبیرکل افتاد. در سطوح پایین‌تر هرم سازمانی توسط کمیته‌های حزبی (پارت‌کوم‌ها) مدیریت می‌شد. صدر هر پارت‌کوم «دبیر پارت‌کوم» بود که توسط اعضا انتخاب می‌شد. در مراحل بالاتر کمیته‌ها به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

همین ترتیب نام گذاری می شدند. در سطح رایون‌ها، رای کوم، در سطح ابلاست، اوب کوم، و در سطح شهرها گور کوم و بدین ترتیب.

پایین ترین سطح هر حزب سلول حزبی بود. رهبری هر سلول «دفتر حزب» نامیده می شد. دفتر حزب (پارت بورو) توسط دبیرخانه دفتر که انتخابی بود ریاست می شد.

دفتر سیاسی، اعضای کامل یا نامزد (بدون حق رای) داشت و اندازه آن در دوره‌های مختلف متفاوت بود. اما معمولاً از ۱۴ عضو کامل و هشت عضو نامزد تشکیل می شد. گرچه دفتر سیاسی صدر رسمی نداشت اما دبیرکل حزب (که معمولاً صدر کمیته مرکزی نیز بود) همیشه نقش اصلی در دفتر سیاسی را نیز داشت. عملاً قدرت مندترین اعضای دفتر سیاسی آنانی بودند که در ضمن عضو دبیرخانه کمیته مرکزی حزب نیز بودند و دبیرکل حزب نیز قوی ترین عضو دفتر سیاسی به شمار می آمد. اگر کسی تنها در یکی از این دو نهاد عضو بود از نفوذ چندانی برخوردار نبود. در تاریخ اکثر اعضای دفتر سیاسی مرد بوده‌اند و به ندرت زنی عضو این نهاد بوده‌است.^۱

۴. تأثیر کمونیسم بر لایه‌های زیرین اجتماع

بر اساس کتاب زندگی خصوصی خانواده‌ها در شوروی از مورخ بریتانیایی اورلاندو فایجیز می توان تصویری غم‌انگیز از زندگی روزمره خانواده‌ها در روسیه استالینی، بر پایه صدها سند شامل نامه، عکس، یادداشت روزانه، خاطره، تاریخ شفاهی، و اشخاصی که باصطلاح خودشان سند هستند، بدست داد.

داستان فایجیز با رعایت ترتیب زمانی از سال ۱۹۱۷ تا سال ۲۰۰۶ پیش می‌رود و به سال‌های سلطه استالین از حدود سال ۱۹۲۸ تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۳، و سه سال بعد از آن تا زمان «سخنرانی مخفی» خروشچف (۱۹۵۶) می‌پردازد. بعد از انقلاب اکتبر، بلشویک‌های لنین نسلی از کودکان را – که فایجیز آنها را «کودکان ۱۹۱۷» می‌نامد با روحیه کمونیسم پرورش دادند تا حزب را جایگزین خانواده کنند و یک «شخصیت جمعی» شکل دهند (ص ۴). آنها کوشیدند تا جامعه‌ای بدون خانواده بسازند، که به عنوان یکی از نهادهای سرکوب بورژوازی کنار گذاشته شد. به تدریج حوزه خصوصی فروپاشید و شکل‌های جمعی زندگی و یک «نظام نظارت و انتقاد متقابل» یا خود-انضباطی

^۱ ویکی پدیا، دانش‌نامه آزاد، ذیل: حزب کمونیست اتحاد شوروی.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

جای آن را گرفت (ص ۳۵). در حالی که برخی از مردم بر سبک زندگی و تفکر روستایی و بورژوازی سنتی خود غلبه کردند، برخی دیگر زندگی دوگانه داشتند، در ظاهر مطابق خواسته‌های حزب زندگی می‌کردند، و در خفی ارزش‌ها و عقاید قدیمی خود را حفظ می‌کردند. گرچه برای زندگی در روسیه پیچ‌پیچ کردن چیز تازه‌ای نبود، پیچ‌پیچ به شکلی از ارتباط - برای بقا یا خیانت - وارد جامعه شد.

سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۸ شاهد اشتراکی سازی گسترده کشاورزی بود. این واقعه «شکست بزرگ» یا «به علت» تخریب نوعی از زندگی که در طول قرن‌ها شکل گرفته بود، نقطه عطف عظیمی در تاریخ شوروی» بود (ص ۸۱). فایجیز در روایت‌های پیاپی به طور مستند نشان می‌دهد چگونه حرص و حسد، روستائیان سرمست پیروزی و پسران نوجوان را به گروه کومسومول (سازمان جوانان حزب کمونیست) ملحق ساخت، و دهقانان «ثروتمند» روستایی را که شاید تنها دارایی اشان یک تخت خواب بود، «کولاک» نامیدند. سپس کولاک‌ها را به اردوگاه‌های کار اجباری یا به دیگر شهرها فرستادند. اسناد خصوصی تجربیات کولاک‌ها و هم‌انگیزه تقبیح‌کنندگان را نشان می‌دهند. با این همه، این دیدگاه متوازن که البته مشخصه کل کتاب و یکی از نقاط قوت متعدد کتاب است، به تحلیل وقایع از منظر همه افراد درگیر می‌پردازد و در عین حال آشکارا با قربانیان کمونیسم شوروی همدردی می‌کند.

بسیاری از فرزندان کولاک، نظیر فرزندان بورژواها و نجیب‌زادگان، اصالت اجتماعی و «زندگینامه فاسد» خود را پنهان کرده و کوشیدند تا شهروند خوب شوروی و عضو خوب حزب باشند. اغلب آنها «در نهایت استالینیست‌های سرسخت شدند» (ص ۱۴۳). در دهه ۱۹۳۰، سیاست‌های دولت اشتیاق جمعی آنها را از بین برد و در عوض به سمت ایجاد یک جامعه بسیار منظم و سلسله‌مراتبی حرکت کرد که در آن محرومیت مادی با از دست دادن کامل حریم خصوصی و پیدایش یک ترس همیشگی از خیانت، اتهام و بازداشت همراه شد. گرچه این تصویر جامعه استالینی بسیار غم‌انگیز است با این حال فایجیز جنبه‌های دیگر آن را نیز نشان می‌دهد و براساس خاطرات روزانه، نامه‌ها و تاریخ‌های شفاهی توضیح می‌دهد که با این همه کودکان، دوران کودکی شادی داشتند و اعضای

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

حزب تا حدی به حزب ایمان داشتند که حتی دستگیری خودشان را به عنوان یک فداکاری لازم برای اهداف بزرگتر قلمداد می کردند.

جامعه استالینی جایی برای نهاد انسانیت باقی نگذاشت، و سپس تنها ابتدایی ترین شکل بقای فیزیکی، فرصت طلبی، فریبکاری، خیانت، و اتهام به جا ماند و حتی شجاعت خطرپذیری برای کمک و نجات دیگران نیز از میان رفت.

سال های «ترس بزرگ» (۸-۱۹۳۷) سال های دستگیری حداقل ۱/۳ میلیون نفر «به جرم جنایت علیه کشور» بود. وحشت بزرگ، در تاریخ شوروی به عنوان دورانی شناخته می شود که «یک سیاست حساب شده برای کشتار جمعی» حاکم بود (ص ۲۳۴). بلشویک ها به جای آزار و اذیت کولاک ها و دیگر افرادی که «زندگینامه فاسد» داشتند، متوجه خودشان شدند. احتمال دستگیری در سطوح بالای سلسله مراتب حزب بیشتر بود. از آنجایی که دستگیری ها تصادفی به نظر می رسید (و اغلب نیز چنین بود)، همه با ترس دستگیری خود زندگی می کردند. تجربیات شخصی که فایجیز از سال های ۴۱-۱۹۳۷ بازسازی می کند به شکل نفسگیری دردناک هستند.

«جنگ کبیر میهنی» که منجر به کشته شدن ۲۶ میلیون نفر، معلولیت، بی خانمانی و قحطی زدگی تعداد بیشتری شد، فرا رسید - و این تا حدی با شواهد موجود - به عنوان مهلتی برای عصر وحشت استالین و احیای ارزش های کهن، متضاد است. زمزمه های مردم خشمگین و برافروخته از آشفتگی و بی کفایتی بوروکراسی در سال های نخست جنگ، درباره دولت به طور روزافزونی بلندتر می شد. در اواخر جنگ، جامعه شوروی قدری آرام گرفت و مردم حسی از آزادی را چشیدند که طی دوره ای طولانی آن را حس نکرده بودند.

نسل جدید که به جز استالینسم چیز دیگری نمی شناخت و اکنون می شنید که دیگران علناً و بدون ترس از محکومیت و زندان، از رژیم انتقاد می کنند، چشمشان باز می شد. شهروندان شوروی بعدها، از سال های جنگ با یک حس نوستالوژیک به عنوان بهترین سال های زندگی خود یاد می کنند. یکی از موارد شگفت انگیزی که علیرغم اینکه فایجیز چندین بار به این حس نوستالوژی اشاره می کند، خود در دام آن می افتد، وقتی است که می گوید در نتیجه «آزادی بیان جدید» (ص ۴۳۷)، «یک جامعه سیاسی جدید» (ص ۴۳۹) و «روح مدنی و حس ملیت مجدد» در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

قلب «یک تغییر بنیادی ارزش‌ها» ایجاد شد (ص ۴۴۰). در هر صورت چه تغییر همانقدر نمایشی بود که او می‌گوید یا خیر، خیلی زود پس از جنگ وقتی خانواده‌ها - هر چند اغلب بیهوده - تلاش کردند تا دوباره دور هم جمع شوند و زمانی که شهروندان شوروی فهمیدند که امیدشان برای دموکراسی برآورده نخواهد شد، دچار سرخوردگی شدند. فقر دوران بعد از جنگ منجر به اعتصاب‌ها و اعتراضات بسیاری شد (ص ۴۵۸). استالین فوراً فشار را کم کرد و سیستم گولاگ را، با تبدیل آن به یک بخش تفکیک ناپذیر اقتصاد، توسعه داد.

پس از جنگ شور و شوق کمونیستی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ جامعه شوروی از بین رفت. یک طبقه متوسط حرفه‌ای و کارآمد جدید به وجود آمد که دست به کار شدند. در پایان دهه ۱۹۴۰ یک کمپین بزرگ ضد یهودی علیه ده‌ها هزار یهودی شوروی به راه افتاد.

بعد از مرگ استالین در سال ۱۹۵۳، واکنش شهروندان شوروی ترکیبی از اندوه عمیق، سردرگمی، و ترس از ناشناخته‌ها و واکنش بود. زندانیان گولاگ خوشحال شدند و بعد از آن که امیدشان به آزادی نقش بر آب شد، ده‌ها هزار نفر تظاهرات کردند. بسیاری حدود یک میلیون نفر آزاد شدند. خانواده‌ها مجدداً گرد هم آمده و به تدریج زخم‌های جدایی، بی‌اعتمادی و خیانت بهبود می‌یافت. (ص ۲-۵۴۱) گرد هم آمدن دوباره اغلب دردناک بود. مردم بعد از سال‌ها و دهه‌ها جدایی، با یکدیگر غریبه شده بودند. آنهایی که از اردوگاه‌ها جان به در برده بودند، ذهن و جسمشان درهم شکسته بود. بازگشتگان از اردوگاه‌ها دوباره تجاربشان صحبت نمی‌کردند. سکوت جایگزین پچپچه شد. به ندرت پایان خوشی برای گرد هم آمدن دوباره یک خانواده دیده می‌شد، بیشتر کشمکش و درگیری شدید وجود داشت. حکومت استالین نه با مرگ او بلکه سه سال بعد زمانی که خروشچف او را نکوهش کرد، پایان یافت.^۱

۵. رمان استالین خوب

کتاب «استالین خوب» یک روایت تاریخی است. در سال ۸۸ توسط زینب یونسی ترجمه شد و نشر نیلوفر آن را منتشر کرد و سال ۹۰ به چاپ دوم رسید.

^۱. تاریخ شفاهی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری، «نقد کتاب: زندگی خصوصی خانواده‌ها در شوروی»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نویسنده کتاب را در قالب روایت سرنوشت پدرش، زندگی شخصی خود و بررسی تحولات و بحران‌های کشورش نگاشته است .

از همان ابتدا، کتاب زبانی تند و تیز را پیش می‌گیرد و همه چیز را با کنایه و طنز بیان می‌کند تنها زمانی که پای تحسین از پدر به میان می‌آید کمی از تند و تیزی‌اش می‌کاهد .

روایت بر تاریخ مشخصی تمرکز نمی‌کند و مدام در زمانی میان گذشته و حال می‌چرخد، نویسنده ابتدا به زندگی شخصی و کودکی خود سرک می‌کشد، سپس به زندگی پدر، مادر و مادر بزرگ وارد می‌شود و در خلال روایت وضعیت سرزمین خود و حکومت مستبدانه استالین را بررسی می‌کند .

ارافیف داستان را با جمله‌ای بهت‌آور آغاز می‌کند «من پدرم را کشتم» و شکی به خواننده وارد می‌کند اما به سرعت در پاراگراف دومش توضیح می‌دهد: «من جان پدرم را نگرفتم، مرگ سیاسی‌اش را رقم زدم؛ که در کشورم مرگی واقعی بود» و با این جملات مخاطب را وادار می‌کند که داستان را برای یافتن دلیل این اتفاق مهم دنبال کند .

در طول داستان نویسنده اطلاعات فراوانی از اتفاقات مهم زندگی شخصی خود از کودکی تا میانسال‌اش، از جمله نحوه انتشار مجله «متروپل» را به صورت منقطع و بریده روایت می‌کند .

اگرچه نویسنده در آغاز کتاب عنوان می‌کند که تمام شخصیت‌های داستان او، از جمله مردم واقعی، شخصیت‌های خیالی هستند اما بسیاری از این شخصیت‌ها همچون سیاستمداران، هنرمندان و نویسندگان بزرگ و مشهوری که در بخش‌های مختلف داستان نام برده می‌شوند کاملاً واقعی هستند.

۵-۱. معرفی اجمالی نویسنده

ویکتور ولادیمیروویچ ارافیف، در سال ۱۹۴۷، در مسکو و در خانواده‌ای مشهور در زمان استالین، متولد شد. پدرش یک دیپلمات بود. در دانشکده ادبیات جهانی دانشگاه دولتی مسکو درس خواند و با پایان‌نامه «داستایفسکی و اگزستانسیالیسم فرانسوی» مدرک دکترای علوم زبان‌شناسی را اخذ کرد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

با نوشتن مقاله‌ای درباره مارکیز دو ساد در مجله «موضوعات ادبی» در سال ۱۹۷۳ مورد توجه روشنفکران زمان خود قرار گرفت، اما در سال ۱۹۷۹ به دلیل سازماندهی نشریه زیرزمینی «متروپل» از اتحادیه نویسندگان اتحاد سوسیالیستی جماهیر شوروی اخراج شد.

در سال ۱۹۸۹ با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «مجلس یادبود ادبیات روسیه» که تا چند سال موضوع و محل گفتگوی شدیدی در کشورش بود. سال ۱۹۹۰، رمان پر فروش «زیبای روسی» را نوشت به بیش از ۲۰ زبان ترجمه شد.

ارافیف در سال ۱۹۹۲، «جایزه ادبی ناباکوف» و در سال ۲۰۰۶، «نشان ملی ادب و هنر فرانسه» را دریافت کرد. او در سال ۱۹۹۷ عضو «کمیسیون جوایز دولتی رئیس‌جمهور فدراتیو روسیه» شد. آثار او همچنین مورد استقبال هنرمندان موسیقی و سینما نیز واقع شده است. در این باره می‌توان به اپرای «زندگی با ابله» اشاره کرد که در سال ۱۹۹۲ در آمستردام اجرا شد که توسط «آلفرد شنیتکه» موسیقی‌دان مشهور روس با برداشتی از اثر ارافیف ساخته شد. این داستان، همچنین در سال ۱۹۹۳، دست‌مایه فیلمی به همین نام به کارگردانی «الکساندر روگوژکین» قرار گرفت؛ اما از میان آثار او کتاب «ستالین خوب» که در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسید، از پر فروش‌ترین آثار ادبیات معاصر روسیه در اروپا به شمار می‌رود.

از دیگر آثار ارافیف می‌توان جسد آنا کارگر اهل مسکو، زیبای روسی، سرزمین قفقاز، گارد جوان موج سوم، قضاوت وحشتناک، مردان پنج رود، زندگی سفرهای افسانه‌ای دایره‌المعارف روح روسی، منتخب نثر معاصر زمان میزاید سال ۱۹۷۹ را نام برد.

ارافیف، اگرچه آثارش بیش از هر چیز درباره روسیه است اما آثار او به مدت ۱۰ سال اجازه انتشار در کشورش را نداشتند و در غرب از کتاب‌هایش استقبال بیشتری شده است. و پس از آن، او را فرصت طلب خطاب کردند و به کتاب «زیبای روسی» اثر پر فروش و جهانی او، لقب «ادبیات زننده خلاف عفت» دادند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

رمان با نامه‌ای که به پدر ویکتور ارافیف نوشته شده، آغاز می‌شود و به آرامی به دوران کودکی نویسنده می‌رود. سپس به زندگی پدر بزرگ و مادر بزرگ و پدرش نگاهی می‌اندازد و از پس آن تحولات شوروی را بررسی می‌کند. ویکتور سرنوشت پدرش را بازگو می‌کند و از موفقیت‌های او را تقدیر می‌کند. اتفاقات مهم زندگی پدر را روایت می‌کند، اتفاقاتی که از نظر ویکتور برای پدر خوش‌شانسی به همراه دارد، مثلاً پدر در تمرین پیش از اعزام به جنگ، پایش می‌شکند. هم دوره‌ای‌های او که اعزام می‌شوند، همگی کشته می‌شوند. یا برای مثال در جایی دیگر می‌خوانیم که پدر حرف استالین را درست نمی‌شنود و به جای پاسخ محل تولدش از دانشگاهی که رفته است، می‌گوید. اشتباهی که استالین را به خنده می‌اندازد و اینگونه پدر به حلقه قدرت وارد می‌شود.

در فصل دوم کتاب جزئیات زندگی و مخاطرات پدر در دوران جنگ جهانی دوم روایت می‌شود. در این فصل دوران جنگ بسیار دقیق نوشته شده است. در نهایت پدر از میان آتش جنگ زنده بازمی‌گردد.

نویسنده در توصیفی که از حکومت و سیاسیون می‌دهد آنها را چندش‌آور و گرگ می‌نامد اما به همان اندازه که از قدرت متنفر است از نزدیکی به آن نیز خرسند است.

در فصل سوم ویکتور ارافیف از شروع زندگی جدید در پاریس سخن می‌گوید و توصیفات ریز و دقیقی از دوران کودکی خود روایت می‌کند. مسکو مدام با پاریس مقایسه می‌شود و او از زندگی در پاریس بسیار خرسند است. حتی در بخش‌هایی ارافیف به تقابل غذاهای روسی و فرانسوی می‌پردازد.

پایان زندگی در پاریس و بازگشت به مسکو برای نویسنده آنچنان دردناک است که صفحات زیادی از کتاب را به توصیف این اتفاق نامیمون اختصاص می‌دهد. پس از آن افت و خیزهای امور سیاسی، گریبان پدر را می‌گیرد. پدر به خاطر اختلافاتی که با سفیر شوروی در فرانسه پیدا کرده و تنها یک سال پس از بازگشت ویکتور به شوروی بازمی‌گردد. ارافیف در حالی که روایت و ماجرای پدر را پیش می‌برد، داستان خودش را هم می‌گوید.

در فصل چهارم کتاب نویسنده از دوران جوانی، تمایلات و اندوخته‌های این دوران می‌گوید و قسمت‌های انتهایی کتاب تماماً بر ماجرای متروپل و انتشار نشریه و جنجال و فشار حاصل از آن تمرکز می‌کند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

چند سالی پیش از ماجرای جنجال ادبی متروپل در شوروی ماجرای نمایشگاه نقاشی بولدوزر اتفاق افتاده بود. نمایشگاهی که آثار نقاشانی را نشان می داد که حکومت شوروی نمی پسندید. بولدوزر می آوردند و نمایشگاه را خراب می کنند. بولدوزر اما دیوارهای ضخیم ایدئولوژی را هم نازک می کند. نویسندگان هم برای حذف سانسور ایده انتشار مجموعه متروپل به ذهنشان میرسد و آثاری را که احتمال می دهند از زیر سانسور حکومت سلامت بیرون نیاید در این مجموعه گردآوری می کنند و به اتحادیه نویسندگان ارائه می دهند

چند نسخه از مجموعه را جهت احتیاط به خارج از روسیه می فرستند. با انتشار متروپل در خارج از کشور نویسندگان را دستگیر و بازجویی می کنند. در این میان ویکتور به شدت مورد خشم حکومت واقع می شود. جریان متروپل به ظاهر شکست می خورد اما پس از این واقعه، گشایشی در نشر آثار ادبی شوروی اتفاق می افتاد و دیوار ضخیم سانسور نازک می شود.

۳-۵. ردپای کمونیست در کتاب استالین خوب

بخش مهمی از مطالب این رمان، توصیف زندگی زیر سایه حکومت کمونیستی هستند. به عنوان مثال درباره مولفه دین و اعتقاد، در ابتدای کتاب به این مساله اشاره می شود که «مسیحیت با دیوار، محصور شده بود. در اتحاد شوروی تصور می شد که مرگ وجود ندارد. مرگ، کناره گیری خود سرانه به حساب می آمد. فلسفه مارکسیسم از کنار مرگ بی توجه و در حالی که بینی اش را می گرفت رد می شد.»

ارافیف درباره کودکی اش به این مساله اشاره دارد که دوری از کشیش ها از او یک شخصیت سودایی مرگ ساخته و از تعبیر «کودکی مرگ اندود» برای آن برهه از زندگی اش بهره گرفته است. به این ترتیب بخشی از روایت های دوران کودکی نویسنده مربوط به دیدن تصویر «جمعمه و استخوان و تیرهای شکسته سرخ رنگ» و پا گذاشتن او به زندگی با وحشت از مرگ اختصاص دارند. این تصویر جمعمه و استخوان در شخصیت پردازی راوی اهمیت داشته و چند جای داستان تکرار می شود. یکی از فرازهای کتاب که می توان آن را از نظر روانشناسی تشریح کرد، در صفحه ۱۵۳ و جایی است که ارافیف می گوید: «استالین و لنین اولین مردگان زندگی من شدند. هرچقدر لنین ظاهر آرامی از خود نشان می داد، در عوض استالین به اطرافش مرگ می پاشید. او در یک تابوت نو، زیبا و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

خوفناک خوابیده بود و بعدها تا مدت‌ها، یک شب در میان، کابوس تابوت استالین و تیرهای چوبی با عکس استخوان و جمجمه را می‌دیدم.» توجه داریم که باوجود این که ارافیف در کتابش پنبه کمونیسم را به کلی زده، اما تصویر منفی و سیاهی از لنین ارائه نکرده است. اما در عوض استالین را مورد هجوم و انتقاد خود قرار داده است.

بین روایت‌های کودکی و بزرگسالی و اتفاقات مهم داستان، جملات تأثیرگذار و مهمی هم مطرح می‌شوند. نمونه بارز این جملات را می‌توان در زمان کودکی ارافیف در روسیه استالینی مشاهده کرد که می‌گوید «من دارم می‌فهمم که واژه‌ها پیامدهای خیانت‌اند.»

انحراف از آرمان‌های عدالت‌جویانه کمونیستی هم یکی از مواردی است که ارافیف در این کتاب به آن‌ها پرداخته که در کنارش ریاکاری مسئولان (در پایبندی به این آرمان‌ها) هم تصویر شده است؛ مثل تضادی که در صفحه ۳۶۳ روایت می‌شود: «لیبرال‌های متمول دوستدار اتومبیل در نشست‌های مخفیانه‌مان سیگارهای کمیاب امریکایی که آن سال‌ها به سختی گیر می‌آمد می‌کشیدند و مرتدین توتون‌های شوروی را که بوی گند می‌داد دود می‌کردند.» در این جمله، منظور از مرتدین، افرادی است که به آرمان کمونیستی اعتقاد نداشتند. ارافیف در فراز دیگری از کتاب که مربوط به تصویر سیاه و دردناک از کشور کمونیستی‌اش می‌شود، قصه مواجهه‌اش با یک پلیس را در خیابان روایت می‌کند. این ماجرا در صفحه ۲۹۲ کتاب آمده و درباره پلیسی است که در خیابان جلوی دوچرخه ارافیف را می‌گیرد اما جلوی دوچرخه فرد دیگر را نمی‌گیرد. اشاره محتوایی این بخش، به اجرای سلیقه‌ای قانون در شوروی است: «در زمان شوروی، هر پلیس یک نماینده گولاک بود. قسمتی از گندیدگی امواج دنیای نفرت‌آورش از راه پلیس به من رسید. جواب او (پلیس) که برای خود او هم هیچ معنایی نداشت ناگهان عمق سقوط کشورم را به من نمایاند. من برای چند سال اخلاق‌گرا شدم. من از تمام بی‌عدالتی‌ها پرده برمی‌داشتم.» در این اتفاق، ارافیف به مرد پلیس می‌گوید «_ پس چرا اونو نگه نداشتید، مگه این جا دوچرخه سواری ممنوع نیست؟ این ناعادلانه است.» پلیس نیز پاسخ جالبی درباره جستجوی عدالت در شوروی می‌دهد: «توی خونه‌تون، پیش مامانت دنبال عدالت بگرد.» نمونه دیگر نیش و نوش‌های ارافیف درباره عدالتی کمونیستی در صفحه بعدی کتاب آمده که در آن می‌گوید: «فقط جوانان حزب می‌توانند وارد دانشگاه شوند.»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

عامل دیگری که چهره سیاه و منفور روسیه و شوروی را در این رمان نشان می‌دهد، سخت‌گیری و فضای خفقان کمونیست‌ها در بازجویی از نویسندگان چون ارافیف است؛ به‌علت نوشتن داستان‌هایی که ضد کمونیستی بوده‌اند. ارافیف در روایت این بخش‌های داستان، کاملاً بی‌تعارف و صریح، حکومت را به باد انتقاد و توهین گرفته و وقتی به دستگیری در گردهمایی نویسندگان در یک «خانه تیمی» اشاره می‌کند، می‌گوید: «خوب می‌دانستیم که حقمان را کف دستمان خواهند گذاشت ولی اینکه حکومت به کل وحشی شود را حدس نمی‌زدیم.» او ضمن اشاره به جلسه معرفی مجله متروپل که با هجوم نیروهای امنیتی به بازداشت نویسندگان انجامید، این اتفاق را این‌گونه خلاصه می‌کند: «با قواعد زمان کمونیستی این یک توطئه بزرگ بود. ماجرا شکل پلیسی به خود گرفت. ک.ک.ب واکنش نظامی از خود نشان داد، منطقه را مسدود کردند، اسلحه به دستان همه‌جا را پر کردند.» نکته جالب و عبرت‌آموز تاریخی این ماجرا این است که نویسندگان متهم را برای بازجویی به اتحادیه نویسندگان می‌برند نه اداره اطلاعات یا نزد ماموران امنیتی. اشاره به انجام بازجویی در اتحادیه نویسندگان، به‌طور غیرمستقیم القاکننده این معنی است که نویسندگی و قلم در زمان کمونیست‌ها سفارشی و آلوده به غرایض سیاسی و اهداف حزبی بوده است. ارافیف هم ضمن زدن سوزنی به حکومت کمونیستی، جوالدوزی به خود می‌زند و می‌گوید: «برای ما چاره‌ای باقی نماند جز اینکه ژست قهرمانانه بگیریم.» البته مشخص است که وقتی طرف مقابل، حکومت کمونیستی باشد، متهم هر که باشد شمایل یک قهرمان را پیدا خواهد کرد. به هر حال اشاراتی که ارافیف در این بخش‌های کتاب (که مربوط به بازداشت، بازجویی و محکوم‌شدنش به اخراج از اتحادیه نویسندگان هستند) می‌آورد، مخاطب را به یاد کتاب «ادبیات علیه استبداد» (درباره بوریس پاسترناک و نوشتن رمان دکتر ژبواگو) می‌اندازد؛ به‌ویژه جایی که می‌گوید «با وقاحت تلفن‌هایم شنود می‌شد.» (جالب است که در صفحه ۴۰۶ کتاب نام پاسترناک هم مشخصاً ذکر می‌شود).^۱

۶. نتیجه‌گیری

ایدئولوژی اصطلاحی است که در تعاریف و معانی مختلف مطرح می‌شود. ایدئولوژی در مفهوم سیاسی آن در دو جبهه چپ و راست تعریف می‌شود. چپ یا چپ‌گرایی در ادبیات سیاسی، به مواضعی گفته می‌شود که خواهان تغییرات تدریجی یا رادیکال در جهت ایجاد برابری در توزیع ثروت و قدرت هستند. چپ در ادبیات سیاسی معاصر

^۱ خبرگزاری مهر، «تصویر یک روسیه بد در «استالین خوب»/ همه یک استالین درونی دارند»، ۸ مرداد ۱۳۹۸.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

غرب معمولاً به معنی سوسیالیسم یا سوسیالیست به کار می‌رود و در برابر راست قرار می‌گیرد. ایدئولوژی چپ در روسیه شوروی در دوره استالین و ادوار بعدی تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سطره داشته است.

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نامی بود که بازماندگان جناح بلشویک حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه از ۱۹۵۲ تا ۱۹۹۱ بر خود اطلاق می‌کرد. اما واژه «حزب کمونیست» از سال ۱۹۱۸ که بلشویک‌ها نام خود را «حزب کمونیست تمام روسیه (بلشویک‌ها)» نام‌گذاری کردند در ترکیب اسم این حزب بود. در ۱۹۲۵ این حزب نام خود را به «حزب کمونیست تمام اتحادیه (بلشویک‌ها)» تغییر داد و بالاخره در ۱۹۵۲ نام حزب «کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» برگزیده شد.

تأثیر کمونیسم بر لایه‌های زیرین جامعه شوروی سبب گردید مردم به‌ویژه کودکان زندگی غم‌انگیز را تجربه کنند. کمونیسم و حکومت مستبدانه استالین در هنر و ادبیات آن زمان نیز تأثیری چشم‌گیر داشته است. یکی از مشهورترین رمان‌ها که پس از فروپاشی شوروی منتشر شد رمان استالین خوب اثر ویکتور ارافیف می‌باشد. ارافیف که فرزند یک دیپلمات کمونیست در دوره شوروی سابق بوده، تلاش کرده است که تجربه‌های عینی خود را از دوره سطره کمونیسم در روسیه، همچنین حاکمیت ایدئولوژی مارکسیسم بر زندگی مردم روسیه در ژانر اتوبیوگرافی، به تصویر بکشد.

منابع

ارافیف، ویکتور (۱۳۸۸)، **استالین خوب**، مترجم: زینب یونسی، تهران: نیلوفر.

ایگلتون، تری (۱۳۵۸)، **مارکسیسم و نقد ادبی**، ترجمه محمد امین لاهیجی، تهران: کار.

آسیایی، حسن (۱۳۸۳)، **ایدئولوژی و ترجمه**، در دکتر فرزانه فرحزاد (ویراستار)، مجموعه مقالات دو هم اندیشی ترجمه‌شناسی، تهران: یلدا قلم.

حسینی، مسلم (۱۳۹۸)، **فلسفه از دیدگاه مارکس و نقد آن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه تبریز.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- Alexander Freund, "Soviet Families' Inner Lives. Review of The Whisperers. Private Life in Stalin's Russia by Figs." Oral History Forum d'histoire orale ۲۹ (۲۰۰۹), pp. ۸۱-۸۲.
(الکساندر فروند، دانشگاه وینیک، ترجمه: اشرف السادات میر کمالی).
- Andrew Heywood, Key Concepts in Politics and International Relations (۲d ed : Palgrave Macmillan, ۲۰۱۵
- Barry Clark, Political Economy: A Comparative Approach, Praeger Paperback, ۱۹۹۸.
- JoAnne C. Reuss, American Folk Music and Left-Wing Politics, The Scarecrow Press, ۲۰۰۰.
- Milner, Helen (۲۰۰۴). "Partisanship, Trade Policy, and Globalization: Is There a Left-Right Divide on Trade Policy" (PDF). International Studies Quarterly